

نقطه‌ی

هدف من



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی در مدرسه‌ی دخترانه‌ی پسرانه‌ی ولی عصر (عج) در روستایی است که بیش از سه‌هزار نفر جمعیت دارد. الهه‌ی دیمی ۳۸ ساله است. ۱۶ سال سابقه‌ی تدریس و مدرک کارشناسی الهیات دارد. هم‌اکنون سرگروه آموزشی پایه‌های دوم ابتدایی استان فارس است. رتبه‌های اول استانی جشنواره‌ها و مسابقه‌های معلمان استان را نیز کسب کرده است، اما هیچ‌کدام از این‌ها دلیل آشنایی ما با ایشان نیست، بلکه مواجهه با آموزگاری فعال از روستایی دور که سال‌هاست مجله‌های رشد را می‌شناسد و همواره با مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در ارتباط است، توجه‌مان را جلب کرد. صبح روزی کاری، عکسی از کلاسش برای مجله فرستاد و برایمان نوشت: «مهمان کلاس من باشید.»
نمونه‌هایی از تجربه‌های ایشان با عنوان‌های «املاي سنگي، و شربت و

تربیت» در این مجله چاپ شده‌اند. به‌غیر از پایه‌ی اول ابتدایی، در بقیه‌ی پایه‌ها هم تدریس کرده است، اما بیشتر او را در پایه‌های دوم و سوم می‌بینیم. در حال حاضر عشق و علاقه‌ی ایشان به بچه‌ها باعث می‌شود هر روز مسافتی حدود ۶۰ کیلومتر را در جاده طی کند تا به محل خدمتش، یعنی روستای کوار، برسد و فرزندان خوب این سرزمین را آموزش دهد.

■ برای مخاطبانی که استان شما را خوب نمی‌شناسند، از حال‌وهوای استان و روستایان بگوئید.

استان پهناور فارس شهرها و روستاهای فراوانی در دل خود جای داده است که در شمالی‌ترین نقطه‌ی آن برف زمستانی خودنمایی می‌کند و در جنوبی‌ترین نقطه، درختان نخل زیبا و چشم‌نوازند؛ اما شیراز شهر راز و گلستان ادب است و محل زندگی من. خداوند این توفیق را نصیب کرده است که هر روز مسافتی را در جاده طی کنم تا به محل خدمتم برسم. روستایی که جمعیتی بیش از ۳ هزار نفر با ساکنانی مهربان و خاکی و فرزندان سرشار از استعداد دارد.

■ کارشناسی الهیات دارید. چطور در دبستان تدریس می‌کنید؟ همیشه عاشق کودکان بوده‌ام و از اینکه بتوانم

رؤیای کودکان را محقق کنم، سرشار از شور و سرور می‌شوم. لذت‌بخش‌ترین ساعت‌های زندگی‌ام آن زمانی است که در آسمان فکر کودکان ابتدایی پرواز می‌کنم. بذر وجودی کودکان در ابتدایی به‌گونه‌ای است که هم آموزش‌پذیرند و هم سرشار از تخیل و خلاقیت. در سال‌های کودکی‌ام نیاز به معلمی مهربان و دلسوز داشتم که بتوانم رؤیایم را پرورش دهم. این رؤیا کمتر محقق شد، اما در ذهنم ماند تا برای شاگردانم در این دو پایه تکیه‌گاهی امن باشم، تخیل ذهنشان را بارور کنم و شکوفایی جوانه‌های علم را استحکام بخشم. خدایا دلی آفتابی بده که از باغ گل‌ها حمایت کنیم!

■ با این تفکر چرا پایه‌ی اول ابتدایی را انتخاب نکردید؟

راستش را بخواهید هنوز شهامت معلم کلاس اول شدن را پیدا نکرده‌ام، احساس می‌کنم رسالتی بس بزرگ و سنگین است. امیدوارم روزی این شجاعت نصیبم شود.

■ مدیر مدرسه با شما همراه است؟

مدیر فعلی سرکار خانم لیلا پوراسد هستند. خانم فاطمه قاسمی مدیر عزیز قبلی بودند که در پنج‌سالی که با هم کار کردیم، تنها بذر عشق کاشتیم و برداشتمان دانش‌آموزانی مؤلف و کسب رتبه در جشنواره‌های گوناگون بود؛ از جمله جشنواره‌ی ابن‌سینا و جشنواره‌ی خوارزمی در زمینه‌ی خوشنویسی.



نمونه فعالیت کلاسی
خانم دیمی



■ با توجه به عکس‌ها و فیلم‌هایی که از شما دیدیم، کلاس شما شبیه کلاسی با امکانات معمول روستا نیست. مشتاقیم علت را بدانیم.

البته در این روستا افرادی ضعیف که توان مالی چندانی ندارند، کم نیستند، چه بسیار فرزندان را در کلاس و مدرسه داریم که حداقل امکانات و تجهیزات را ندارند. اما فضای مدرسه با توجه به حمایت چند خیر، آقایان حاج صمد دیدار، محمد دیدار، قاسم قبادی، امین تقی‌پور، حجت رشیدی، بسیار مطلوب شده است، البته باز هم فکر می‌کنم هر کلاس با معلم و انگیزه‌هایش رنگ می‌گیرد.

■ پیداست رابطه‌ی شما با بچه‌های کلاستان خیلی خوب است.

جیب احساس و اندیشه را پر از نقل مهر و محبت کرده‌ام. من با فرزندان کلاس زندگی می‌کنم و رابطه‌مان عالی و بی‌نظیر است. معتمد کودک که معلمش را دوست داشته باشد، برای رضایت او هر کاری می‌کند. سه سال قبل من کتابی نوشته‌ام با عنوان مشق شوق و در آنجا احساسم را به کودکان کلاس بیان کرده‌ام. کودکانی که شوق زندگی‌ام را صدچندان می‌سازند و همیشه می‌گویم خدایا سپاس که مرا در این مسیر قرار دادی.

■ کرونا چه تأثیری بر کار شما گذاشت؟ موجب تهیه‌ی درس‌نامه‌ی آموزشی، برای

همه‌ی دانش‌آموزان جامانده از تحصیل استان در شرایط پیش آمده، در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ شد و نتیجه‌ی آن روی وبگاه اداری کل و در نهایت در دست دانش‌آموزان قرار گرفت. این درس‌نامه که شامل محتویات آموزشی درس‌های ریاضی، فارسی و علوم می‌شود، دین من به فرزندان روستایی محروم و عشایر کشورم بود.

■ به‌غیر از تدریس، در آموزش و پرورش فعالیت دیگری دارید؟

بله مدت پنج سال است سرگروه آموزشی پایه‌ی دوم منطقه‌ام. امسال بنا به دعوت تکنولوژی آموزشی استان سرگروه آموزشی پایه‌ی دوم استان فارس شدم. در دو سال متوالی، معلم نمونه‌ی منتخب شده‌ام.

رتبه‌های اول استانی در جشنواره‌های معلمان هنرمند، پرسش مهر، مسابقات قرآن، مسابقات نهج‌البلاغه، کسب رتبه‌ی برتر در مسابقات احکام‌فرهنگیان، کسب رتبه‌ی برتر در مسابقات تفسیر قرآن و کسب عنوان مسابقات ورزشی در سطح استان را نیز کسب کرده‌ام.

■ شما برای تدریس کلاسی تان ایده‌ی خاصی دارید؟

تجربه‌چیزی است که بر اثر کار کردن و گذر زمان حاصل می‌شود. همیشه کتاب‌های روش تدریس و نظر مؤلفان را مطالعه می‌کنم. این عادت شبانه‌ی من است، اما در اجرای کار هر

روز اندیشه‌های جدید و خلاقیتی نو در ذهنم ایجاد می‌شود و از این‌گونه کار کردن لذت می‌برم. در کارگاه‌های استانی تجربه‌هایم را منتقل می‌کنم تا انگیزه‌ی تدریس در وجود همکاران سراسر استان و بلکه ایران جاودانه بماند. موجدیم که آسودگی ما عدم ماست.

■ همچنان در این روستا خواهید ماند؟

عاشق خدمت به فرزندان روستا هستم. در این مسیر سختی‌های بسیاری متحمل شده‌ام، اما از خداوند می‌خواهم تا زمانی که توان دارم در روستا بمانم و با صفای فرزندان روستا زندگی کنم.

■ از طرف چه کسانی حمایت شده‌اید و از چه کسانی تشکر می‌کنید؟

درد بر همه‌ی آنانی که جرئت اندیشیدن را می‌آموزند؛ پدرم که اولین معلم اخلاقم بودند، روحشان شاد! می‌گفت به استاد، فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ، مادرم که دعای مهربانی‌اش هر لحظه همراه من است، همسرم که تکیه‌گاهی است غنی و در تک‌تک لحظه‌ها مرا امداد رسان و در مسائل مالی و کمک به فرزندان محروم بسیار یاریگر است. در مسیر خدمتم از وجود استادهایی بهره‌مند شدم که انگیزه‌های درونی مرا دیدند و مشوق من بوده‌اند و هستند، به قول امیر کبیر: «هیچ جامعه‌ای فراتر از اندیشه‌ی معلمانش رشد نخواهد کرد.»

کودک زالی (سفیدمو) در کلاس داشتم که سوی چشمانش کم و جایش همیشه در کنار میز من و تخته بود. صدای گرم و دلنشینی داشت. در روزهای پایانی سال، اجازة‌ی آوردن ساز سنتی‌اش را از من گرفت و با زدن ساز و خواندن جملاتی، نوای ماندگاری را برایم ثبت کرد. در حالی که می‌خواند، اشک از چشمانش سرازیر بود. من در آن روز فهمیدم تنها من عاشق کودکان نبوده‌ام، آن‌ها هم آموزگارشان را دوست دارند.

